

PS Project Syndicate

ترامپ، ابله مفید

از هر دست بدهی، از همان دست می‌گیری. هر چه‌بکاری، همان‌را درو می‌کنی. نفرین به صاحبش بازمی‌گردد. چنین ضرب‌المثل‌هایی همزمان هشدار می‌دهند و تسلی می‌بخشند: آن‌ها این پیام را در خود دارند که بازیگران بد، چه شما باشید و چه کسانی که به شما ظلم می‌کنند، در نهایت سزای اعمال خود را خواهند دید. اما در واقعیت، بازیگران بد اغلب از پاسبخگوینی برای رفتارشان می‌گریزند؛ گاهی به دلیل شانس و گاهی به عنوان نتیجه یک تاکتیک موفق برای پیشبرد یک هدف استراتژیک. روسیه در دسته دوم قرار می‌گیرد. استراتژی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، برای قسر در رفتن از وارد آوردن ویرانی در مقیاس بزرگ به اوکراین و درگیر شدن در جنگ ترکیبی (هیبریدی) در سراسر غرب، شامل دو تاکتیک دوران شوروی است: به خدمت گرفتن «ابلهان مفید» و به کار بردن «تاکتیک‌های سالامی» [Salami tactics] برای رسیدن به اهداف.

تاکتیک اول که اغلب به ولادیمیر لنین نسبت داده می‌شود، به بهره‌برداری از متحدان ناآگاه اشاره دارد؛ یعنی کسانی که ناخواسته آرمان بازیگر بد را پیش می‌برند، شاید حتی در حالی که با صدای بلند با آن مخالفت می‌کنند. برای پوتین امروز، هیچ ابلمی مفیدتر از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، نیست. پوتین پتانسیل ترامپ برای ایفای این نقش را پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶، که تلاش کرد نتیجه آن را به نفع ترامپ تغییر دهد، شناسایی کرده بود. نشست سران دو رهبر در سال ۲۰۱۸ در هلسینکی، زمانی که ترامپ با تأکید بر اینکه روسیه هیچ تلاشی برای تأثیرگذاری بر انتخابات نکرده بود، علناً با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا مخالفت کرد، تقریباً ازبازی پوتین را تأیید نمود. از آن زمان، ترامپ تمایلی بیمارگونه برای به رخ کشیدن رابطه «فوق‌العاده» خود با پوتین نشان داده است، حتی در حالی که پوتین او را نادیده گرفته، بی‌اهمیت شمرده و به چالش کشیده است. پس از آنکه نشست اخیرشان در آلاسکا به جایی نرسید و پوتین درخواست ترامپ برای آتش‌بس در اوکراین را رد کرد، ترامپ با درخواست کرملین برای یک توافق صلح فوری همددا شد. او بعداً با افتخار عکسی از دو رهبر را که پوتین برایش فرستاده بود، به خبرنگاران نشان داد. هفته گذشته، زمانی که چندین پهباد روسی وارد حریم هوایی لهستان شدند، ترامپ که همیشه مایل به توجیه پوتین است، گفت این اتفاق «می‌توانست یک اشتباه بوده باشد.» این رفتار، یادآور کودک مستأصلی است که اصرار دارد قلدر محله، دوست صمیمی اوست.

جای تعجب نیست که ترامپ فریب «تاکتیک‌های سالامی» پوتین را نیز خورده است؛ روشی که در آن یک هدف بزرگ، که به احتمال زیاد با مقاومتی قدرتمند روبه‌رو خواهد شد، از طریق مجموعه‌ای از مانورهای کوچکتر پیش برده می‌شود که هر یک از آن‌ها را مخالفان بالقوه احتمالاً نادیده می‌گیرند، کم‌اهمیت جلوه می‌دهند یا با اکراه می‌پذیرند. تهاجم‌های پهبادی اخیر به لهستان و رومانی یک نمونه بارز است: هدف، برانگیختن جنگ با ناتو نبود، بلکه آزمودن توانایی‌های ائتلاف و شاید مهم‌تر از آن، اراده آن بود و ابله مفید پوتین در کاخ سفید به این تحریکات چگونه پاسخ داد؟ او بار دیگر تأیید کرد که ایالات متحده مایل نیست حتی انگشت خود را برای دفاع از متحدانش در ناتو بلند کند.

استفاده از تاکتیک‌های سالامی به کرملین محدود نمی‌شود. پیش از جنگ جهانی دوم، آلمان نازی تلاش خود را برای سلطه بر اروپا با مجموعه‌ای از گام‌های کوچک غیرنظامی و شبه‌نظامی آغاز کرد که به اندازه‌ای محدود طراحی شده بودند که قدرت‌های اروپایی واکنش نظامی نشان ندهند. امروز، شی چین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، از تاکتیک‌های سالامی (از جمله ساخت بی‌سروصدای پایگاه‌های نظامی در مناطق مورد مناقشه) برای تغییر وضعیت موجود ارضی در دریای چین جنوبی و هیمالیا استفاده می‌کند، بدون آنکه واکنش جدی بین‌المللی را برانگیزد.

مانند پوتین، شی نیز احتمالاً چندان نگران نیست که ترامپ حتی تلاشی برای ارائه یک پاسخ مؤثر انجام دهد. ترامپ بیش از حد زودباور و به راحتی قابل دستکاری روانی است، به‌ویژه به دلیل اشتیاق آشکارش برای عضویت در «باشگاه خودکامگان».

شاید روزی کارما به سراغ پوتین یا شی بیاید. اما ترامپ به عنوان یک ابله مفید، بعید است که عامل آن باشد.

بین‌المللINTERNATIONAL



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

سال ۱۹۹۸، تنها چند هفته پس از تست یک کلاهک هسته‌ای توسط هند در نزدیکی مرز با پاکستان، نواز شریف، نخست‌وزیر وقت پاکستان با عبدالله‌ابن عبدالعزيز، ولیعهد وقت عربستان سعودی تماس گرفت و از او پرسید که آیا ریاض حاضر است در صورت انجام یک آزمایش هسته‌ای از سوی اسلام‌آباد در کنار پاکستان بماند و به این کشور برای ایستادگی در برابر تحریم‌های احتمالی کمک کند؟

تنها چند روز بعد، پاسخ عربستانی‌ها به این سوال آشکار شد. در شرایطی که اسلام‌آباد به دلیل آزمایش هسته‌ای هدف تحریم‌هایی گسترده قرار گرفته بود، عربستان سعودی تصمیم گرفت روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت به رایگان در اختیار پاکستان قرار دهد.

هفته گذشته، نزدیک به سه دهه پس از هسته‌ای شدن پاکستان، شهپاز شریف، نخست‌وزیر این کشور و برادر کوچکتر نواز شریف، به همراه ژنرال عاصم منیر، فرمانده کل ارتش به ریاض سفر کرد تا با عربستان که در مسائل نظامی به شدت به تکنولوژی و تجهیزات ایالات متحده وابسته است، توافقی دفاعی منعقد کند.

این دو کشور در حالی یک توافق دفاعی جامع امضا کردند که خاورمیانه تحت تأثیر رفتارهای تهاجمی اسرائیل و سیاست پیش‌بینی‌ناپذیر واشنگتن که به‌طور خاص در حمایت از حمله اسرائیل به ایران در میانه مذاکرات هسته‌ای با آمریکا و عدم جلوگیری از حمله اسرائیل به قطر (یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در منطقه) بازتاب یافت، تغییر کرده است.

هر چند هنوز جزئیات توافق اسلام‌آباد و ریاض مبهم است و مقام‌های عربستانی اصرار دارند که زمان‌بندی این توافق و امضای آن درست پس از حمله اسرائیل به قطر اتفاقی است، هدف از امضای آن تقریباً روشن به نظر می‌رسد؛ اگر آمریکا و اسرائیل قصد تغییر نظم سنتی منطقه را دارند و دیگر تضمینی برای حفظ امنیت متحدان آمریکا هم وجود ندارد، عربستان سعودی می‌خواهد با کمک یک متحد قدیمی، امنیت خود را در برابر تهدیدها به‌ویژه تهدید هسته‌ای حفظ کند.

جاشوا‌وایت، تحلیلگر ارشد اندیشکده بروکینگز در این باره معتقد است: «این توافق واکنشی به روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. هر دو کشور پاکستان و عربستان سعودی به دلیل رفتار ایالات متحده، انگیزه‌های قابل توجهی برای متنوع‌سازی روابط سیاسی و نظامی خود دارند.»

▼ نقش پررنگ عربستان در هسته‌ای شدن پاکستان

بنیان‌ها و پایه‌های اصلی روابط پاکستان و عربستان سعودی قدمتی بیش از تأسیس کشور پاکستان دارد. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که رهبران سعودی در اوایل سال ۱۹۴۰ با نمایندگان مسلم لیگ هند در کراچی دیدار کرده و در سال ۱۹۴۳، در پاسخ به درخواست محمدعلی جناح، کمک مالی برای قحطی‌زدگان بنگال ارسال کردند. این همسویی اولیه با تأسیس کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ تقویت شد.

پیوندهای عمیق این دو کشور بر اساس یک هویت مشترک اسلامی شکل گرفته است. عربستان سعودی به عنوان مهد اسلام و میزبان حرمین شریفین در مکه و مدینه، و پاکستان به عنوان اولین کشوری که بر اساس ایدئولوژی اسلامی تأسیس شد، یک همگرایی طبیعی هویتی داشتند. این هویت مشترک، که مقامات دو کشور در بیانیه‌های رسمی خود مکرراً به آن با عناوینی چون «پیوندهای برادری و همبستگی اسلامی» اشاره می‌کنند، یک بستر اعتماد و اطمینان متقابل ایجاد کرد.

این نزدیکی در دهه ۱۹۶۰ به همکاری‌های امنیتی و نظامی منجر شد و در ادامه با نقش‌آفرینی جدی عربستان سعودی در مسیر هسته‌ای شدن پاکستان رنگ و بویی بسیار متفاوت به خود گرفت.

براساس شواهد تاریخی، نخستین گفت‌وگوها میان پاکستان و عربستان سعودی درباره هسته‌ای شدن پاکستان در ۱۹۷۴ - زمانی که اعراب سرخورده از شکست در جنگ ۱۹۷۳ در برابر اسرائیل و پاکستان شاهد اولین آزمایش‌های هسته‌ای هند بود- انجام شد. در آن زمان، ذوالفقار علی‌بوٲو، نخست‌وزیر وقت پاکستان به سراغ ملک فیصل پادشاه وقت عربستان سعودی رفته و از او برای حمایت از پاکستان در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای کمک خواسته بود. دهه‌ها زمان برد که پاکستان بتواند به تکنولوژی ساخت بمب هسته‌ای دست پیدا کند و نخستین آزمایش خود را انجام دهد.

در این مسیر، عبدالقدیر خان، پدر برنامه هسته‌ای پاکستان که تکنولوژی سانتریفیوژهای پیشرفته را در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از کشورهای غربی دزدید و بر اساس اعتراف خود، آن را در اختیار پاکستان، ایران و لیبی قرار داد، نقش بسیار مهمی ایفا کرد اما بسیاری از تحلیلگران و مورخان معتقدند که بدون کمک‌های عربستان سعودی، طی این مسیر برای پاکستان ممکن نبود.

اندیشکده بروکینگز تخمین می‌زند از دهه ۱۹۶۰ به این

هر چند هنوز

جزئیات توافق اسلام‌آباد و ریاض مبهم است و مقام‌های عربستانی اصرار دارند که

زمان‌بندی این

توافق و امضای

آن درست پس از

حمله اسرائیل به

قطر اتفاقی است،

هدف از امضای آن

تقریباً روشن به نظر

می‌رسد: اگر آمریکا

و اسرائیل قصد تغییر

نظم سنتی منطقه

را دارند و دیگر

تضمینی برای حفظ

امنیت متحدان

آمریکا هم وجود

ندارد، عربستان

سعودی می‌خواهد

با کمک یک متحد

قدیمی، امنیت خود

را در برابر تهدیدها

به‌ویژه تهدید

هسته‌ای حفظ کند

سو، پاکستان بیشترین کمک مالی مستقیم و غیرمستقیم را از عربستان سعودی دریافت کرده است. این حمایت‌ها که هیچ‌گاه در قالب حمایت مستقیم از برنامه هسته‌ای مخفی پاکستان انجام نمی‌شد، به اسلام‌آباد کمک می‌کرد تا با مدیریت هزینه‌های جاری و عمومی، سرمایه لازم را برای پیشبرد برنامه هسته‌ای فراهم کند.

فیروز خان، ژنرال بازنشسته پاکستانی در کتابی درباره چگونگی دستیابی پاکستان به بمب اتم نوشته است: «زمانی که در دهه ۱۹۹۰ میلادی پاکستان تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفت، عربستان سعودی سخاوتمندانه از اسلام‌آباد حمایت کرد و باعث شد تا امکان ادامه برنامه هسته‌ای پاکستان فراهم شود.» همچنین، پاکستان پس از موفقیت در انجام نخستین آزمایش هسته‌ای در ۱۹۹۸، به پاس حمایت‌های عربستان سعودی یک شهر را به نام ملک فیصل نام‌گذاری کرد.

در مقابل، پاکستان هم سابقه‌ای طولانی در کمک نظامی و امنیتی به عربستان دارد. در دوره جنگ ۸ ساله ایران و عراق در دهه ۸۰ میلادی که با تهاجم صدام حسین، دیکتاتور وقت عراق به ایران آغاز شد، بخشی از نیروهای نظامی پاکستان در مرزهای شمالی عربستان مستقر شده بودند تا از مرزهای این کشور محافظت کنند. در همان دوره، سرویس امنیتی پاکستان نقش رابط را برای عربستان و ایالات متحده ایفا می‌کرد تا بتوانند از مجاهدین افغان در برابر اتحاد جماهیر شوروی حمایت کنند.

مقام‌های سابق پاکستانی می‌گویند از سال ۱۹۹۹ که وزیر دفاع عربستان سعودی از تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم پاکستان بازدید کرد، ریاض بارها از اسلام‌آباد درخواست کرد که «اطلاعات فنی و دانش» مربوط به برنامه هسته‌ای خود را با عربستان به اشتراک بگذارد اما این درخواست با مخالفت

پاکستان روبه‌رو شد.

فیروز خان، که اکنون استاد مدرسه عالی نیروی دریایی در کالیفرنیا است در این باره به فایننشال تایمز گفت: «هیچ توافق مکتوبی که در آن به عربستان سعودی اجازه داده شده باشد در ازای حمایت‌های اقتصادی به تکنولوژی هسته‌ای پاکستان دسترسی پیدا کند وجود نداشته و ندارد. با این حال عربستان سعودی می‌داند اگر روزی ایران هسته‌ای شود و اسرائیل به بازیگری کاملاً مهارنشده بدل شود، آنگاه کمک پاکستان به کار ریاض خواهد آمد.»

در تمام مدتی که پاکستان مشغول توسعه برنامه هسته‌ای و ساخت بمب اتم بود، اسرائیل به این کشور به مثابه یک تهدید می‌نگریست و سرویس جاسوسی اسرائیل تلاش زیادی داشت تا درباره این برنامه اطلاعات جمع‌آوری کند. یوزی آراد، یک مقام سابق موساد در این باره می‌گوید: «اسرائیل انرژی و تمرکز خود را برای رهگیری و شناسایی داده‌ها و تجهیزات منتقل شده به برنامه‌های هسته‌ای ایران و لیبی معطوف کرد و اقدام علیه برنامه پاکستان به آینده موکول شد.»

▼ محتوای توافق اخیر ریاض و اسلام‌آباد

شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان روز چهارشنبه ۱۷ سپتامبر در ریاض با محمد بن سلمان، ولیعهد و حاکم دوفاکتوی عربستان سعودی دیدار کرد. دو طرف در این دیدار توافقی دفاعی و بسیار مهم را امضا کردند که سطح همکاری‌های نظامی و امنیتی دوجانبه را به‌طور قابل توجهی افزایش خواهد داد.

درحالی‌که هیچ اشاره مستقیمی به بمب هسته‌ای در این توافق وجود ندارد، بر اساس بیانیه صادرشده از سوی وزارت امور خارجه پاکستان، این توافق تأکید می‌کند «هر

